

ایراد امر مطروحه و مرتبط در خصوص دادگاه‌های رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایران و لبنان

نبی غلامی،^۱ رسول مقصودپور*^۲، سید محسن حسینی پویا^۳، احمد تاجی^۴

چکیده:

در ماده ۸۹ و ۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی ایران به بررسی ایرادات موقتی و دائمی دعاوی مدنی پرداخته است که به محض حادث شدن هر یک از آن دلایل دعوا به صورت دائمی با موقت متوقف می‌گردد و تا زمانی که ایراد و مانع مورد نظر برطرف نگردد دعوا قابل پیگیری و رسیدگی در دادگاه‌های قضایی نمی‌باشد. در ماده ۸۴ در بند دوم به ایراد امر مطروحه یا ارتباط دعوی مورد نظر اشاره شده است که از موانع موقت دادرسی می‌باشد. در قانون مدنی لبنان نیز ایراد امر مطروحه یا دعاوی مرتبط پذیرفته شده است. در قانون اصول محاکمات مدنی ۲۰۰۹ لبنان در ماده ۵۰ تا ۶۸ به بررسی ایرادات امر مطروحه و مرتبط پرداخته است که تا حدودی جامع و کامل اشاره شده است. با بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد که در حقوق ایران تنها به حصر امر مطروحه در حد شمردن برخی موارد اشاره شده است و تکلیف اصحاب دعوا، تعیین میزان دامنه اعمال ایراد امر مطروحه، زمان و مکان طرح دعوی، خواننده و خواهان قانونی وضع نشده است و به نظر می‌رسد دادرسی در این امر حین رسیدگی دچار ابهام و سردرگمی گردد. پیشنهاد می‌گردد که قانونگذار تکلیف موارد یاد شده را طی بند یا تبصره‌ای ذیل ماده ۸۴ بند دوم آن مشخص سازد. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای، مقالات، سایت‌های اینترنتی تکمیل شده است.

واژگان کلیدی: ایرادات دادرسی، ایراد موقت، ایراد دائمی، امر مرتبط، دعوی مرتبط، دعاوی طاری.

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

** عضو هیئت علمی گروه حقوق خصوصی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)
maghsoudpour@gmail.com

*** عضو هیئت علمی گروه حقوق خصوصی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

**** عضو هیئت علمی گروه حقوق خصوصی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

مقدمه

یکی از ایراداتی که خواننده دعوا می‌تواند براساس ماده ۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی مطرح کند به ایراد امر مطروحه شهرت دارد. این ایراد زمانی مطرح می‌شود که خواننده دعوا به دادگاه اعلام و اظهار نماید که دعوی که دادگاه در حال رسیدگی است یا قصد رسیدگی به آن را دارد قبلاً در همین دادگاه یا دادگاه دیگری که از نظر رتبه و درجه مساوی این دادگاه است تحت رسیدگی است. اما باید توجه داشت حتی اگر این دعوا همان دعوا نباشد اما با قسمتی از دعوا ارتباط داشته باشد طبق بند دوم ماده ۸۴ باز هم جزو ایرادات امر مطروحه محسوب می‌گردد. اما در حالتی دیگر اگر دعوا قبلاً در یکی از شعبات در حال رسیدگی باشد و سپس دعوی مرتبط با همین دعوا مطرح گردد به هر دو دعوا به صورت یکجا رسیدگی خواهد شد. این امر در ماده ۱۰۳ آئین دادرسی مدنی اشاره شده است. اما اگر قبلاً دعوا در شعبه دیگری از همین دادگاه مطرح شده باشد از رسیدگی به دعوا خودداری می‌کند و مبادرت به صدور قرار امتناع از رسیدگی می‌کند و متعاقب آن پرونده پس از تعیین رییس شعبه اول جهت رسیدگی توأمان به شعبه که دعوا سابقاً در آن مطرح شده ارسال می‌کند. بنابراین قانونگذار علاوه بر اینکه به خواننده این حق را داده است که اگر دعوی او در سابقاً در همین دادگاه مطرح شده نسبت به آن ایراد نماید به وکلای اصحاب دعوا هم تکلیف کرده است که دادگاه را از دعوی مطروحه مطلع نمایند هر چند این الزام فاقد ضمانت اجرایی است و عدم اطلاع در این مورد توسط وکلای دادگستری هم تخلف انتظامی شمرده نمی‌شود. سوال و فرضیه اصلی مقاله حاضر بدین شرح است که: اگر دعوی مرتبط در دادگاه‌هایی با درجه مساوی در حوزه‌های قضایی مختلف مطرح شده باشد تکلیف دادگاه‌های مزبور چیست؟ به نظر می‌رسد در این مورد هم پرونده باید با صدور قرار امتناع از رسیدگی به دادگاه حوزه‌ای که سبق ارجاع دارد فرستاده شود.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. ایرادات

یکی از وسیله‌های دفاعی ایراد است. مرحوم دکتر احمد متین دفتری ایراد را اینگونه تعریف کرده است: «ایراد این است که خواننده ادعای خواهان را ماهیتاً نفی نمی‌کند، بلکه اظهار می‌دارد که دعوا به نحوی که اقامه شده در خود پاسخ دادن نیست» (درخشان نیا، ۱۳۹۱: ۶۱) دکتر عبدالله شمس تعریف کامل‌تری از ایراد کرده است: «وسیله‌ای که خواننده معمولاً در جهت ایجاد مانع موقت یا دائمی، بر جریان رسیدگی به دعوی مطروحه و یا بر شکل‌گیری مبارزه در اصل و ماهیت حق مورد ادعا، به منظور بازداشت موقت یا دائم خواهان از پیروزی به کار می‌گیرد» (شمس،

۱۳۸۹: ۴۵۶) همانگونه که ملاحظه می‌شود این دو استاد دادرسی مدنی در تعریف واحدی، ایراد و مانع رسیدگی را تعریف کرده و آن دو را از هم تفکیک نکرده‌اند. در قانون آیین دادرسی مدنی سابق (مبحث اول فصل هشتم در امور اتفاقی) تنها سخن از ایراد مطرح شده بود و مانع رسیدگی مطرح نشده بود؛ اما قانون جدید آیین دادرسی مدنی، عنوان مبحث سوم از فصل سوم را ایرادات و موانع رسیدگی تعیین کرده و بدین ترتیب، بین ایراد و مانع رسیدگی تفاوت قائل شده است گرچه قانونگذار این دو را از هم تفکیک نکرده و تفاوتی بین ضمانت اجرای هر دو قائل نشده، اما باید با استقرا در مواد قانونی، ایرادات را از موانع رسیدگی تفکیک کرد، در حقوق لبنان، ایرادات از موانع رسیدگی (موارد عدم استماع دعوا) تفکیک و جداگانه تعریف شده‌اند: «هر وسیله دفاعی که هدف از آن اعلام طرح دعوا و دادرسی به صورت غیر صحیح، یا باطل و همچنین تعلیق جریان دادرسی باشد، ایراد گفته می‌شود». با توجه به آنچه گفته شد، ایراد را می‌توان اینگونه تعریف کرد: شیوه دفاعی است که در آن دفاع کننده در مورد حق مورد نزاع سخنی نمی‌گوید، بلکه چگونگی طرح دعوا را از نظر قواعد دادرسی مدنی مورد ایراد قرار می‌دهد؛ مثل ایراد عدم صلاحیت دادگاه یا ایراد رد دادرسی و هدف دفاع کننده از طرح ایراد، ایجاد تأخیر یا مانع در سیر دادرسی است. (درخشان نیا، ۱۳۹۱: ۶۴)

به نظر می‌رسد ایرادات یکی از ابزارهای دفاعی برای خواننده و خواهان می‌باشد که می‌تواند هم به صورت شکلی و هم به صورت ماهوی قابل طرح باشد و به مدت طولانی، مدت کوتاه یا به طور دائمی مانع ادامه رسیدگی دعوا گردد.

۱-۲. موانع رسیدگی

همانگونه که گفته شد، استادان دادرسی مدنی ایران، تفکیک و تمایزی بین ایراد و مانع رسیدگی قائل نشده و هر دو را مترادف دانسته‌اند. قانون آیین دادرسی مدنی نیز گرچه عنوان مبحث سوم از فصل سوم را به ایرادات و موانع رسیدگی اختصاص داده، اما آن‌ها را از هم تفکیک نکرده و آثار تفکیک بین آن‌ها را نیز بیان نکرده است، این در حالی است که در مورد ایرادات در صورت مطرح ایراد و تشخیص ورود آن در اکثر موارد، قرار رد دعوا صادر می‌گردد و در مورد موانع رسیدگی در صورت طرح و موجه بودن ایراد، دادگاه قرار عدم استماع دعوا صادر می‌کند.

پس از این مقدمه، سؤالی که مطرح می‌شود این است که مانع رسیدگی چیست؟ قانون آیین دادرسی مدنی لبنان ماده ۵۲ الی ۶۱ را به ایرادات و مواد ۶۲ الی ۶۵ را به موانع رسیدگی اختصاص داده است. ماده ۶۲ مانع رسیدگی یا مانع استماع دعوا را اینگونه تعریف کرده است: «هر استدلالی که هدف از آن اعلام غیرقابل استماع بودن دعوی طرف مقابل، بدون رسیدگی ماهوی، به سبب

نداشتن حق اقامه دعوا باشد؛ مانند نداشتن سمت، ذینفع نبودن، مرور زمان، اقدام خارج مهلت و اعتبار امر قضاوت شده». همانگونه که ملاحظه می‌شود قانونگذار لبنان مانع رسیدگی را امری می‌داند که در صورت وجود آن، خواهان به دلیل نداشتن شروط اقامه دعوا نمی‌تواند به دادگاه مراجعه کند، می‌توان گفت در حقوق لبنان، مانع رسیدگی نوعی از دفاع است که بین ایراد و دفاع ماهوی قرار دارد؛ زیرا دفاع کننده بدون ورود در ماهیت، امکان دادرسی را از طرف مقابل می‌گیرد و ممکن است طرف مقابل هیچگاه نتواند دگر بار همان دعوا را طرح کند. (حسینی، ۱۳۸۲: ۵۱۱)

به نظر می‌رسد مانع طرح دعوا یا ایراد غیر قابل استماع بودن دعوا را می‌توان اینگونه تعریف کرد: هرگاه شرایط عمومی اقامه دعوا از قبیل اهلیت، سمت، ذینفع بودن و وجود نداشته باشد، خواننده می‌تواند نزد دادگاه به عدم وجود این شرایط استناد و از دادگاه بخواهد با صدور قرار عدم استماع دعوا را غیر قابل بررسی اعلام کند.

۱-۳. مفهوم ایراد امر مطروحه یا مرتبط

در نظام حقوقی لبنان ایراد امر مطروحه به معنای ادعای پیگیری قانونی مسبوق است به زمانی که یک دعوا مقابل دو دادگاه مختلف برپا می‌شود و هر کدام یک دیدگاه خاص خود را نسبت به آن دارند اما تداوم وقتی فراهم می‌شود که دو دعوا شامل خواسته‌های همراهی باشند که مقابل دو محکمه مختلف هر یک به صورت خاص و با توجه به دعوای مربوط به آن مطرح شود. دعوای مرتبط و امر مطروحه تداوم و همراهی و پیشینه پیگیری با هم مشترک هستند برای این که آن دو مفروض در ایجاد دو دعوا مقابل دو محکمه مختلف هستند جز اینکه این دو متفاوتند در دفاع مسبوق به پیگیری قانونی که تحمیل می‌شود و مفروض است در همان دعوا که مقابل دو محکمه برقرار است و این وجود وحدت موضوع و سبب و طرفین دعوای معلق مقابل دو محکمه بایستی باشند در هنگامی که دفاع به وابستگی و همراهی فقط در رابطه تداوم و همراهی بین دو دعوا فرض می‌شود ولی تعریف سبقت پیگیری قانونی و همراهی در قانون جدید آمده ملاحظه‌های را می‌طلبد. (الحجار، ۲۰۰۱: ۵۱۳)

به نظر می‌رسد ایراد امر مطروحه مربوط به طرح همزمان دو دعوا در یک دادگاه که با یکدیگر ارتباط کامل دارند باشد و یا دعوایی در گذشته در حال رسیدگی در دادگاهی باشد و سپس دعوایی دیگر در همان دادگاه که ارتباط با دعوای سابق دارد مطرح گردد.

۲. پیشینه

برای روشن شدن سابقه تاریخی ایرادات در حقوق ایران لازم است به قانون اصول محاکمات حقوقی و قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ به طور مجزی توجه شود.

۲-۱. در قانون اصول محاکمات حقوقی

سابقه تاریخی ایرادات در حقوق ایران، به قانون اصول محاکمات حقوقی برمی گردد که در سال ۱۳۲۹ هجری قمری مصوب کمیسیون قوانین عدلیه مورخ ۱۹ ذی القعد ۱۳۲۹ قمری به تصویب رسید (مصادف با ۰۸/۱۸/۱۲۹۰ هجری شمسی). این قانون مشتمل بر ۸۱۲ ماده قانونی بود که مبحث اول فصل دهم این قانون از مواد ۳۶۴ الی ۳۷۰ به مبحث ایرادات اختصاص یافت. در ماده ۳۶۴ قانون اخیرالذکر مقرر شده است: «مدعی علیه که به محکمه احضار شده است می تواند بدون اینکه جواب مدعی را بدهد در موارد مفصله ذیل ایراد نماید:

وقتی که دعوی راجع به محکمه دیگری است. وقتی که در همان محکمه یا محکمه دیگری همان مسأله مابین همان اشخاص تحت رسیدگی است و یا اگر همان مسأله نیست مسأله ای است که با ادعای مدعی ارتباط کامل دارد. در موردی که ادعای مدعی کاملاً راجع به مدعی علیه دیگری است. در صورتی که شخصی که اقامه دعوی کرده صلاحیت آن را ندارد. در صورتی که وکیل طرف مقابل وکالت از موکل خود نداشته باشد. در این قانون ایرادات به صورت حصری مشخص شده است. مضاف بر خلاف قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۷۹، تکلیف دادگاه در خصوص ایراداتی که دادگاه قطع نظر از ایراد اصحاب دعوی مکلف است به ایراد توجه و از رسیدگی امتناع نماید. در قانون اصول محاکمات حقوقی مشخص است و این موضوع به صراحت در ماده ۳۶۷ قانون اخیرالذکر آمده است و به موجب آن: «در فقره اول و چهارم و پنجم ماده (۳۶۴) خود محکمه هم مکلف است قطع نظر از اینکه ایراد از طرف متداعیین مطرح شده یا نشده باشد از رسیدگی به دعوی امتناع نماید.» (شمس، ۱۳۹۲: ۳۵)

۲-۲. در قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ و اصلاحات بعدی

در قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ در فصل هشتم، مبحث اول از مواد ۱۹۷ الی ۲۰۷ به ایرادات اختصاص یافت. البته مبحث دوم این فصل نیز به رد دادرسان اختصاص دارد که در مواد ۲۰۸ الی ۲۱۷ آمده است و به موجب ماده ۲۰۸ قانون اخیرالذکر: «دادرسان دادگستری در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع نمایند و اصحاب دعوی نیز می توانند آن‌ها را رد نمایند.» در قانون آئین دادرسی ۱۳۱۸ ایرادات به دو دسته کلی تقسیم شدند و در ماده ۱۹۷ قانون

اخیرالذکر مدعی علیه می‌توانست ضمن پاسخ در ماهیت دعوی ایراد نماید در حالیکه در ماده ۱۹۸ همان قانون، مواردی که مدعی علیه می‌توانست بدون پاسخ نسبت به ماهیت دعوی، ایراد نماید را مشخص کرده است. در واقع، در چهار مورد و به موجب ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ مدعی علیه می‌توانست ضمن پاسخ به ماهیت دعوی ایراد نماید که این موارد عبارت بودند از: وقتی که دادگاه صلاحیت ذاتی نداشته باشد.

در صورتی که دعوی از جهت صلاحیت نسبی راجع به دادگاه دیگری است. در موردی که دعوی بین همان اشخاص در همان دادگاه یا دادگاه دیگری که از حیث درجه با آن دادگاه مساوی است قبلاً اقامه شده و تحت رسیدگی است. در صورتی که دعوی مشمول مرور زمان باشد. در عین حال در چهار مورد دیگر از ایرادات و به موجب ماده ۱۹۸ قانون اخیرالذکر مدعی علیه حق داشت بدون آنکه پاسخ مدعی را بدهد به دعوی ایراد نماید که این موارد عبارت بود از: در صورتی که مدعی اهلیت قانونی برای اقامه دعوی نداشته باشد از قبیل صغیر و غیر رشید و مجنون یا کسی که ممنوع از تصرف در اموال خود در نتیجه حکم ورشکستگی باشد. وقتی که ادعا متوجه شخص مدعی علیه نباشد. هرگاه کسی به عنوان نمایندگی اقامه دعوی کرده از قبیل وکالت یا ولایت یا قیمومت و سمت او محرز نباشد. (کریمی، ۱۳۸۵: ۴۶)

وقتی که دعوی طرح شده سابقاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوی قائم مقام آن‌ها هستند رسیدگی و نسبت به آن حکم قطعی صادر شده باشد (اعتبار امر مختومه) در واقع این قانون به مبحث ایرادات انسجام بخشید و در زمان خود بی‌نظیر بود بطوری که تکلیف دادگاه‌ها در مبحث ایرادات تا حدود بسیار زیادی مشخص شده بود.

در سال ۱۳۳۱ هجری شمسی اصلاحات نسبت دامنه داری در قانون به عمل آمد به موجب این اصلاحات، ماده ۱۹۸ نیز بدین ترتیب اصلاح گردید: «در موارد زیر مدعی علیه می‌تواند ضمن اولین پاسخ نسبت به ماهیت دعوی هر ایرادی وارد بکند». در عین حال ماده ۲۰۲ مانند گذشته دادگاه را مکلف نمود که در مورد فقرات ۱، ۵، ۶، ۷، ۸ ماده ۱۹۷، قطع نظر از ایراد اصحاب دعوی از رسیدگی امتناع نماید. بنابراین ملاحظه می‌شود که، در عین حال، اولین قدم در تجمیع ایرادات دادرسی با ایراد عدم استماع دعوی برداشته شد ضمن اینکه البته تفاوت آن‌ها محفوظ ماند. اما مجدداً ماده ۱۹۸ سال ۱۳۱۸ ابقاء گردید و بنابراین بندهای ۵ تا ۸ ماده ۱۹۷ که در سال ۱۳۳۱ به آن الحاق شده بود فسخ گردید اما تغییر اساسی در نظام ایرادات با اصلاح ماده ۲۰۲ در سال ۱۳۳۱ به عمل آمد و در حقیقت تکلیف دادگاه در امتناع از رسیدگی به دعوی، قطع نظر از ایراد اصحاب دعوی که قبلاً در ماده اخیرالذکر در مورد فقرات چهارگانه ماده ۱۹۸ و شق اول ماده ۱۹۷ (عدم صلاحیت ذاتی) پیش‌بینی شده بود حذف و موجب مناقشه و اختلاف نظر میان

حقوقدانان شده که عمده این مناقشه و اختلاف نظرها، بر سر این موضوع بود که چنانچه خواننده، برای مثال، ایراد عدم توجه دعوی ننماید (شق دوم ماده ۱۹۸) و در عین حال دادگاه دعوی را متوجه خواننده نداند آیا باید قرار رد دعوی (یا عدم استماع دعوی) صادر نماید یا می تواند به صدور رأی مبادرت نماید و یا نمی بایستی به علت عدم ایراد ذی نفع به این امر توجه نماید. (جلیلود، ۱۳۷۳: ۵)

این مقررات تا سال ۱۳۷۹ هجری شمسی لازم الاجرا بود تا نهایتاً قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۷۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در این قانون از مواد ۸۴ الی ۹۲ به مبحث ایرادات اختصاص دارد و در حال حاضر این قانون لازم الاجراست در قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۷۹ برخلاف آئین دادرسی مدنی ۱۳۱۸، ایرادات به طور حصری تنها در یک ماده قانون و در ۱۱ بند برشمرده شده است و به موجب صدر ماده ۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی (۱۳۷۹): «در موارد زیر خواننده می تواند ضمن پاسخ نسبت به ماهیت دعوی ایراد کند: ۱- ...» که چنانچه ملاحظه می شود، تفاوت ایرادات که ضمن پاسخ نسبت به ماهیت دعوی می توانست از سوی خواننده مطرح شود و به روشنی در قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ مشخص بود، حذف گردید.

۳. مبنا و قلمرو ایراد امر مطروحه و مرتبط در حقوق ایران

۳-۱. مبنا

ضرورت توأم کردن دعاوی مرتبط، اجرای صحیح عدالت و جلوگیری از صدور آرای متعارض است. اجرای صحیح عدالت در فرضی که دادخواست های متعدد در محدوده دادرسی های جداگانه به یک دادگاه داده شده و بین آنها رابطه ای وجود دارد، ایجاب می کند که به همه آنها یک جا رسیدگی شده و با رأیی واحد تکلیف همه آنها روشن شود. علاوه بر اجرای صحیح عدالت، تسریع در جریان رسیدگی به دعاوی و کاهش حجم پرونده ها توجیه کننده رسیدگی یکجا به دعاوی مرتبط و در نتیجه پذیرش ایراد مذکور خواهد بود. (حسن زاده، ۱۳۹۲: ۷۳)

ماده ۶۵ کد آیین دادرسی مدنی لبنان درباره سبق طرح دعوی داخلی مقرر می دارد: «که یک دعوا نزد دو محکمه هم درجه و هم صلاحیت مطرح شده باشد و یک طرف درخواست کند یا حتی راساً و به تشخیص دادگاه، دادگاهی که دومین بار دعوا در آن طرح شده است باید به نفع دادگاه دیگر از رسیدگی امتناع کند».

درباره ایراد سبق طرح دعوی بین المللی نیز دیوان این کشور قبول آن را مجاز دانسته است ولی هنگامی که رأی صادره در کشور خارجی شایسته شناسایی در لبنان، نیست و به ویژه وقتی که به

دلیل محل انعقاد یک قرارداد کنوانسیون بین‌المللی صلاحیت انحصاری را به دادگاه لبنانی داده است این ایراد پذیرفته نمی‌شود. لذا براساس قانون آیین دادرسی لبنان باید به منظور انجام دادرسی صحیح دادگاه به ایرای امر مرتبط توجه کند. دادگاه قضایی لبنان در فرض ایراد امر مرتبط بین‌المللی، اگر محاکم لبنانی در آن موضوع صلاحیت انحصاری نداشته باشند: دور قرار تعلیق رسیدگی به شایستگی دادگاه خارجی را روا دانسته است. (اسماعیل عمر، ۲۰۰۹: ۵۴)

به نظر می‌رسد مبنای طرح ایرادات از منظر حقوقی برقراری عدالت، جلوگیری از اطاله دادرسی می‌باشد که در هر دو نظام حقوقی ایران و لبنان از اهمیت و جایگاه مهمی برخوردار می‌باشد.

۲-۳. قلمرو ایراد امر مرتبط و ایراد امر مطروحه در حقوق ایران

۱-۲-۳. طرح ایراد امر مرتبط در دادگاه‌های با درجه یکسان

در صورت طرح ایراد امر مرتبط در دادگاه‌های با درجه یکسان رویه آن است که دادگاه مرجوع الیه دوم مراتب را به معاون ارجاع یا رئیس حوزه قضایی منعکس تا با دستور او پرونده به دادگاه مرجوع الیه اول ارسال گردد. در این صورت دادگاه دوم مبادرت به صدور دستوری به شرح ذیل می‌نماید. ۱. (مهاجری، ۱۳۸۱: ۲۶۰)

در صورتی که در دعوی مرتبط در یک شعبه مطرح شده باشند در این صورت هرگاه پس از ملاحظه دادگاه تشخیص دهد که این دو پرونده با یکدیگر مرتبط می‌باشند دستوری به شرح ذیل صادر می‌نماید: نظر به اینکه دعاوی مطروحه در پرونده کلاسه‌های و به اعتبار خواسته هر دو دعوا و تأثیری که نتیجه رسیدگی به یک پرونده در پرونده دیگر دارد، با یکدیگر مرتبط می‌باشند لذا دادگاه به استناد ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رسیدگی توأم هر دو پرونده را صادر و اعلام می‌دارد. (مهاجری، ۱۳۹۵: ۲۶۲)

بنابراین در صورت طرح دو دعوا در دادگاهی با درجه یکسان دادگاه دوم الزام به ارجاع پرونده به دادگاه اول که در حال رسیدگی به رای می‌باشد هستند.

مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۷۸۹۱ مورخ ۲۰/۱۰/۸۳: «در صورتی که دعوی مرتبط با هم

۱. معاونت محترم ارجاع مجتمع قضایی

با سلام

احتراما نظر به اینکه به دلالت گراهی صادره از شعبه ... دعوی مرتبط با دعوی مطروحه در کلاسه ... این دادگاه به خواسته ... سابقا مطرح و در شعبه ... دادگاه عمومی تحت رسیدگی است و هر دو دعوی با یکدیگر مرتبط می‌باشند و با توجه به ایراد خواننده در اجرای بند ۲ ماده ۸۴ و ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی مراتب اعلام تا جهت رسیدگی توأم و ارسال پرونده به دادگاه مذکور اوامر مقتضی صادر فرماید.

در یک یا چند شعبه مطرح باشد مقام ارجاع می‌تواند به شعبه‌ای که سبق ارجاع دارد یا به شعبه دیگری ارجاع نماید. تطبیق دعوا با مقررات مذکور با دادگاه است. البته در خصوص سبق طرح دعوا یا دعوی مرتبط در همین دادگاه یا در شعب دیگر همین دادگاه، علاوه بر پیش‌بینی ایراد خواننده، قانونگذار، اصحاب دعوا و و کالای آن‌ها را مکلف نموده که دادگاه مربوط را از این امر آگاه نمایند تا به تکلیف مزبور عمل شود. (شمس، ۱۳۹۶: ۴۸۹)

در خصوص این ایراد برخی از حقوقدانان معتقد هستند که الزام خواننده به دفاع در ماهیت دعوا ضمن طرح ایراد امر مطروحه، در بسیاری از موارد ممکن است سبب اتلاف وقت دادگاه و طرفین گردد، از این رو بهتر است که این ایراد، قبل از دفاع در ماهیت دعوا مطرح شود و چنانچه دادگاه، ایراد را وارد ندانست به خواننده اجازه داده شود تا در ماهیت دعوا دفاع به عمل آورد. (ابهری، ۱۳۸۶: ۶۸)

۲-۲-۳. طرح ایراد امر مطروحه در دادگاه‌های با درجه یکسان

سؤالی که در این قسمت مطرح می‌شود آن است که در صورتی که دو دعوی یکسان در دو شعبه هم عرض از یک دادگاه مطرح شود در این صورت چه تصمیمی می‌بایست اتخاذ گردد؟ ق.آ.د.م در صورت طرح این ایراد تنها به ارسال پرونده به دادگاه اول اشاره نموده است اما اینکه دادگاه اول در خصوص پرونده ارسالی با چه تکلیفی مواجه است راه‌حلی ارائه نشده است. لذا در پاسخ به این سؤال برخی از نویسندگان به بیان دو راهکار پرداخته‌اند:

راهکار اول آن است که دادگاه نسبت به پرونده دوم مبادرت به صدور قرار رد یا عدم استماع دعوا بنماید. مبنای این راه‌حل نیز آن است که یک حق بیش از یک بار قابل مطالبه نیست و با مطالبه برای بار اول موجبی برای تشکیل پرونده دوم وجود ندارد.

راهکار دوم نیز آن است که در مورد هر دو پرونده حکم واحد صادر شود. براساس این راهکار دادگاه برای دعوی دوم مستقل از دعوی اول اتخاذ تصمیم نمی‌نماید و پس از توأم کردن هر دو پرونده یک حکم واحد صادر ولی در حکم به هر دو دادخواست اشاره می‌نماید. (مهاجری، ۱۳۹۲: ۲۶۴)

به نظر می‌رسد راهکار اول مناسب‌تر باشد زیرا اولاً مطابق با ماده ۱۰۳ ق.آ.د.م: «هرگاه دعوی دیگری که ارتباط کامل با دعوی طرح شده دارند در همان دادگاه مطرح باشد، دادگاه به تمامی آن‌ها یکجا رسیدگی می‌نماید. بنابراین صدور قرار رسیدگی توأمان تنها در خصوص دعوی مرتبط امکان‌پذیر است.

ثانیاً در فرضی که ما صدور قرار رسیدگی توأمان را بپذیریم این سؤال پیش می‌آید که کدام

یک از دو دادخواست را مبنا و ملاک قرار دهیم؟ آیا هر یک از این دو دادخواست بر دیگری ترجیحی دارد؟ در صورتی که یکی از دو دادخواست ناقص و دیگری تکمیل باشد چه اقدامی می‌بایست صورت پذیرد؟ مثلاً ممکن است در یکی از دادخواست‌ها برای خواننده یک آدرس و در دیگری برای همان خواننده آدرس دیگری درج شود در این صورت دعوت از خواننده می‌بایست بر مبنای کدام یک از این دو آدرس صورت پذیرد. از مجموع مواردی که عنوان گردید، به نظر می‌رسد که هماهنگی که گفته شد راهکار اول به صواب نزدیک‌تر باشد.

۳-۳. طرح ایراد امر مرتبط در دادگاه عالی و تالی

چه بسا اتفاق می‌افتد که هم زمان با رسیدگی دادگاه تجدید نظر، یکی از طرفین، دعوایی را که با دعوای مطرح در دادگاه تجدید نظر مرتبط است، در دادگاه بدوی اقامه می‌کند. به عنوان مثال حکم به محکومیت خواننده به تنظیم سند رسمی بیع، در دادگاه تجدیدنظر تحت رسیدگی است و خواننده، دعوای جداگانه‌ای به خواسته ابطال قولنامه مستند محکومیت خود را به سبب نامشروع بودن جهت معامله در دادگاه بدوی اقامه می‌کند سوالی که مطرح می‌گردد آن است که دادگاه تجدیدنظر در فرض اطلاع از طرح دعوای مذکور در دادگاه بدوی، در دعوای تجدیدنظر مطرح در آن دادگاه چه تصمیمی خواهد گرفت؟ (مهاجری، ۱۳۸۱: ۳۵۷)

در پاسخ به سوال فوق حقوقدانان نظرات متفاوتی را ارائه می‌دهند:

برخی از حقوقدانان معتقدند چنانچه بین دو دادگاه اختلاف درجه باشد یکی دادگاه عمومی و دیگری دادگاه تجدیدنظر استان، ایراد رد می‌شود و پس از صدور حکم بدوی و تجدیدنظرخواهی از آن، در مرحله تجدیدنظر در پرونده ضمیمه می‌شوند و چنانچه صلاحیت ذاتی مانع از اجتماع دو پرونده شود و رسیدگی به دعوی قبلی متوقف بر رسیدگی به دعوی بعدی باشد دعوی اصلی موقوف می‌ماند تا دعوی طاری در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به آن را دارد خاتمه پذیرد. (مدنی، ۱۳۹۵: ۴۷۲)

برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند در این حالت دادگاه بدوی باید رسیدگی را متوقف کند، اما از آن جایی که مراتب به دادگاه تجدید نظر منعکس شده است این دادگاه به استناد تبصره ماده ۳۴۸ ق.آ.د.م می‌بایست عمل نماید و بر این مبنا دادنامه بدوی تجدیدنظر خواسته را نقض یا تأیید کند و دادگاه بدوی حسب رأی دادگاه تجدیدنظر و متناسب با آن اتخاذ تصمیم کند. (مهاجری، ۱۳۹۲: ۳۵۸)

بنابراین به نظر می‌رسد ممکن است دو دعوا که با یکدیگر ارتباط کامل دارند ممکن است هم در دادگاه تجدیدنظر و هم دادگاه بدوی مطرح شده باشد که در این صورت دادگاه بدوی مجبور

است از دستور دادگاه تجدیدنظر تبعیت کند.

۴. مرجع و زمان طرح ایراد امر مرتبط

۴-۱. مرجع صالح

در خصوص اینکه ایراد امر مرتبط اساساً باید در کدام دادگاه مطرح گردد حکمی در قانون ما وجود ندارد. اگرچه ماده ۸۶ ق.آ.د.م در این باره به اجمال سخن گفته است اما می‌توان به ماده ۱۷ همان قانون در این باره مراجعه و حکم مسأله را دریافت نمود. به تصریح ماده مزبور، دعوای طاری باید در دادگاهی که در حال رسیدگی به دعوای اصلی است اقامه گردد. از این ماده می‌توان استفاده نمود و بیان کرد ایراد می‌بایست در دادگاه دوم مطرح شود زیرا هر دو دادگاه صالح به رسیدگی هستند منتهی دادگاهی که ابتدا شروع به رسیدگی کرده: لایحیتش باقی می‌ماند و بر اساس ضابطه تقدم زمانی چنان که به عنوان مثال در مورد دعوای بازرگانی چند دادگاه صالح به رسیدگی هستند، اما همین که در یکی از این دادگاه‌ها دعوا اقامه گردید، سایر محاکم صالح، قادر به رسیدگی به همان دعوا نخواهند بود در باب دعوای مرتبط نیز با اقامه دعوایی در یک دادگاه صالح، سایر محاکم صالح، قادر به رسیدگی به دعوای مرتبط با آن نیستند لذا ایراد باید در دادگاه دوم مطرح گردد. ماده ۲۸ ق.د.ع.ا نیز مؤید همین نظر است. (حسن زاده، ۱۳۹۲: ۷۷)

به نظر می‌رسد مرجع صالح جهت رسیدگی به دو دعوا دارای یک منشاء یا دارای ارتباط دادگاهی می‌باشد که دعوای اصلی در آنجا مطرح و در حال رسیدگی می‌باشد.

۴-۲. زمان طرح ایراد

در حالی که ایراد یک شیوه ساده دادرسی با هدف معلق کردن مذاکره در مورد ماهیت دعوا است، همواره این نگرانی وجود دارد که این شیوه با هدف اطاله دادرسی واقعی مورد استناد قرار گیرد. بنابراین باید طرفین دعوا را ملزم ساخت که استفاده از این شیوه را تا آخرین لحظه به تاخیر نیندازند. به همین دلیل قانون اصول مدنی لبنان نظام دقیق و سخت گیرانه‌ای را وضع کرده است. قانونگذار ایران نیز در مواد ۱۹۷ و ۱۹۸ قانون سابق آئین دادرسی مدنی به این مهم توجه داشت و ایرادات راجع به دعوای را به دو دسته تقسیم کرده بود و خواننده براساس این مواد می‌توانست ضمن دفاع ماهوی یا بدون دفاع از ماهیت دعوا به ایراد استناد کند. این در حالی است که در قانون جدید آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی تفکیکی بین انواع ایرادات وجود ندارد زمان طرح ایراد به موجب ماده ۸۷ این قانون تا پایان جلسه اول است و بعد از دفاع ماهوی قابلیت طرح دارد. اگر ایرادی بعد از جلسه نخست دادرسی مطرح شود ولی مربوط به نظم عمومی و قواعد تعامل باشد رعایت آن بر دادگاه لازم خواهد بود مانند ایراد عدم صلاحیت ذاتی که حتی

اگر خارج از فرجه قانونی مطرح شده باشد، دادگاه در صورت پذیرش مکلف به صدور قرار عدم صلاحیت ذاتی است. در مواردی نیز که ایرادات مطروحه در خارج از مهلت قانونی در ارتباط با نظم عمومی نیست (بهشتی و مردانی، ۱۳۸۵: ۳۵۱). مطابق ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ دادگاه صرفاً تکلیفی به رسیدگی مجدد ماهیت دعوا به ایراد مزبور ندارد و گرنه به این ایراد نیز رسیدگی خواهد شد با توجه به سختگیری شدید قانونگذار لبنان نسبت به اطلاع دادرسی ایرادات در قانون مدنی این کشور باید قبل از دفاع ماهوی و حتی پیش از ایراد عدم پذیرش مطرح شود، در غیر این صورت حتی اگر ایراد مطروح مربوط به نظم عمومی باشد قابل قبول نخواهد بود. ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی لبنان بیانگر این است. البته قانونگذار لبنان در دنباله ماده ۷۴ چنین تصریح می‌کند: ...مقررات بند نخست مانع اجرای مواد ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۸ نیست. لذا طرح ایراد تنها در صورتی قابل پذیرش است که به عنوان اولین دفاع و پاسخ از ناحیه مدعی علیه مطرح شده باشد پس از دفاع در ماهیت دعوا طرح ایراد از ناحیه خوانده پذیرفته نخواهد شد، حتی اگر جلسه نخست هنوز تمام نشده باشد؛ و یا اینکه سبب ایراد بعداً حادث شود (مولوی، ۱۳۸۱: ۵۹۷). این یک اصل است که در قانون لبنان مورد توجه قرار گرفته و قانونگذار در مورد مختلف استثنائات آن را بیان کرده است مانند ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی لبنان در غیر از موارد مذکور اگر خوانده در نخستین پاسخ به دعوا از طرح ایراد دادرسی امتناع کند حق ایراد وی در همه مراحل دادرسی از آن میان می‌رود. البته دیوان عالی این کشور پذیرفته که ایراد دادرسی ممکن است در همان لایحه‌ای که دفاع ماهوی انجام گرفته مطرح شود اما تصریح دارد که در این صورت نیز به همان قید باید بیش از دفاع ماهوی نوشته شود (محسنی، ۱۳۹۱: ۴۲۲). ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی لبنان در رابطه با مهلت قانونی طرح ایراد امر مرتبط چنین مقرر می‌دارد: «ایراد امر مرتبط را در امور مرتبط را در هر زمان می‌توان مطرح کرد مگر اینکه هدف از طرفی با تاخیر آن ایجاد اطلاع دادرسی باشد که در این صورت پذیرفته نمی‌شود». مطابق ظاهر این ماده ایراد امر مرتبط مقید به مهلت زمانی خاصی نبوده در هر زمانی حتی پس از دفاع ماهوی قابل طرح است (ابهری، ۱۳۸۷: ۲۰۴). اما در قانون ایران زمان طرح ایراد امر مرتبط تابع قاعده خاصی نیست و مانند سایر ایرادات باید تا پایان اولین جلسه دادرسی مطرح شود مگر اینکه سبب ایراد پس از جلسه اول حادث شده باشد. قانون لبنان با در پیش گرفتن واکنش متفاوت نسبت به ایراد امر مرتبط در مقایسه با سایر ایرادات از قانون ایران متمایز شده است. البته به نظر می‌رسد قانونگذار لبنان نیز واقعیت اخیر ماده ۱۰۳ طرح با تاخیر و ایراد به منظور ایجاد اطلاع را نپذیرفته از نظریه حدوث سبب پیروی کرده است، زیرا اگر سببی را در مرتبه سابق بر این وجود داشته و پس از ادای دفاعیات محوری و سپری شدن جلسات دادرسی فرد بدان اشاره و استناد کنند انگیزه اطلاع دادرسی و مفروض است. در

موردی که سبب ایراد قبل از حادثه شده اما ایرادکننده بعد از مدتی بدون آگاهی می‌یابد تکلیف چیست؟ برخی معتقدند انحراف از موعد وقتی تجویز شده است که سبب ایراد بعد حادث شود نه اینکه بعد کشف شود پذیرش این نظر محل تردید است، زیرا ایراد امر مرتبط بیش از آنکه حقوق خصوصی فردی محسوب گردد به منظور برقراری عدالت و جلوگیری از صدور آرا معارض پیش‌بینی شده و در نتیجه جزوه قواعد آمره است. چنانکه حتی اگر متداعیین بدان ایران نکرده باشند دادگاه بر اثر مکلف به اعمال آن است. همچنین ماده ۱۰۳ ایران با ایجاد تکلیف برای طرفین و کلای آنان نسبت به اطلاع‌رسانی در این زمینه دیدگاه مذکور را تأیید می‌کند که آنان به محض اطلاع از وجود دعاوی‌های مرتبط و مختار بر که مکلف به طرح آن در دادگاه هستند بنابراین هر یک از طرفین باید بتوانند به محض آگاهی از وجود چنین دعوایی دادگاه را مطلع کرده و اقدام مقتضی را درخواست کنند. (حسن زاده، افشار قوچانی، ۱۳۹۲: ۳۶)

۵. ایراد امر مطروحه یا مرتبط در حقوق لبنان

۵-۱. ملاحظاتی در خصوص مفهوم، جنبه نظری و عملی امر مطروحه

تعریف همراهی مرتبط و پیگیری قانونی در قوانین لبنان و لبنان فرض می‌شود که دو محکمه صلاحیت‌دار نگاه و نظر به دعوا دارند و این سخن را در پی دارد که بر دادگاه دوم است که مقابلش بر دفاع پیگیری قانونی یا همراهی دلالت دارد و تحقیق از صلاحیت دادگاه اول است و این نتیجه تئوری را در درجه اول و عمل را در مرحله دوم در بر می‌گیرد:

از ناحیه نظریه: آن با مبدایی که در قانون لبنان در ماده قبل سال ۱۹۵۱ صلاحیت آمده مخالفت می‌کند ما با علم بر اینکه قانون لبنان قواعد مستحده را از قانون لبنان قبل از سال ۱۹۵۸ نگرفته است و آن را قانون لبنان جدید بیان کرده است و این مبدا و متضمن است که هر دادگاهی که صلاحیتش ثبت شود پس نص مواد ۵۴ و ۵۵ قانون جدید آمد و با این مبدا مخالف است به دادگاهی که مقابلش دفاع پیگیری قانونی یا همراهی است حق بحث در صلاحیت دادگاه دیگر از همان درجه می‌دهد و این ممنوعیت نظری ممکن است منجر به ممنوعیت‌های عملی شود. (فوده، ۲۰۰۷: ۶۹)

از جنبه عملی: دادگاه دوم از صلاحیت محکمه‌ای که دعوای قبلی در آن به پا شده محقق می‌شود هر چند تأثیری در ابقای دادگاه اخیر در مسئله صلاحیت ندارد به این معنی که تأثیرش فقط به سخن دادگاه دوم مختصر نمی‌شود چه شروط پیگیری قانونی یا همراهی فراهم باشند یا نه پس اگر منتهی شد به اینکه محکمه‌ی اول صلاحیت رد دفاع پیگیری قانونی یا همراهی را ندارد و این نتیجه‌ای است که متن جدید آن را حامل است و برایش نتایج عملی غیرمقبولی است که

کمترین آن این است که اگر دادگاه اول صلاحیت داشته باشد پس می‌تواند در دعوا نظر بدهد و هنگامی که دو دادگاه دست روی یک دعوا بکنند و دو حکم در موردش صادر کنند این امری است که قانونگذار دوری از آن را در مورد پیگیری قانونی و همراهی می‌خواهد از ملاحظات سابق بهتر است به همین امر اکتفا شود که هر یک از دو دادگاه دست بر روی نظام نهاد بایستی اصولاً شرط پیگیری قانونی یا همراهی موجود باشد. (عوض حسن، ۱۹۹۶: ۲۵۴)

۵-۲. دادگاه صالح به رسیدگی

از اموری که در پیگیری قانونی یا همراهی بین دو دعوی مطرح مقابل دو دادگاه متفاوت پنهان است اینکه هر یک از دادگاه‌ها برای رفع نزاع حکمی می‌دهند که ممکن است با دادگاه دیگر متفاوت باشد امری که بر آن روند بهتر عمل عدالت و مصلحت طرفین ناراضی بر آن مترتب می‌شود و فرض می‌شود که هر یک از نزاع‌ها به دیگری برای فیصله دادن به هر دو در همان محکمه به حکمی واحد ضمیمه گردد لذا بر دادگاه واجب است که مقابل آن به پیگیری قانونی یا نه همراهی به همراه دعوی اقامه شده‌ی سابق نزد دادگاه دیگر دلالت آورند تا دستش را از دعوا برداشته و آن را به محکمه دیگر بسپارد (ماده ۸۹) به این معنی که دعوی که مقابلش اقامه شده است برای بعد است ولی اگر این راه حل باشد یا درست باشد به نظر می‌رسد که برای دفاع پیگیری قانونی آن نسبت به همراهی بهتر است که در زمان دلالت آوردن به دفاع مقابل هر یک از دو دادگاه مسئله باز شود اگرچه ممکن است گاهی بهتر باشد که دادگاه دوم نظرش پیرامون دعوا زمانی دنبال کند که دعوا مطرح شده مقابلش اهمیت زیادی داشته باشد یا پیچیده باشد یا شرایط تحقیق در آن آسان تر باشد و این نظریه اخیر همان چیزی است که به آن قانون لبنان جدید اعتماد می‌کند. قانون لبنانی جدید با این نظریه اخیر مطابق است که هر چند بعضی استثناها بر مبدا وجوب برانگیختن دفاع مقابل دادگاهی که دعوا مقابلش بعداً برپا می‌شود وجود دارد اگرچه بعداً اینک ماده ۵۶ وضع شد این مبدا از آن خارج شد و واجب کرد که دعوا از دادگاهی که نزدش اقامه شده اولاً منتقل شود و به دفاع مقابلش ما به دادگاه دوم دلالت شود و آن در دو حالت است. (عوض حسن، ۱۹۹۶: ۳۶۹)

اول: اگر دادگاه اولی که در آن دعوا بوده قراری را در یکی از نقاط دعوا به صورت فیصله ماهوی دهنده صادر کند.

دوم اگر محکمه‌ای که در آن دعوا بعداً به پا شده در دعوی اصلی نگاه می‌کند اگر چه دیگری در دعوا مستند به آنچه موجب مسئولیت طبیعی است نگاه کند.

۵-۲-۱. ایراد امر مطروحه از حیث دادگاه‌های یکسان یا متفاوت

هر دو دادگاه از یک درجه هستند یا از دو درجه متفاوت هستند وقتی دو دادگاه ازدو درجه مختلف باشند پس دفاع مسبوق به امر معارضه و یا مرتبط ممکن نیست به آن دلالت آورده شود مگر مقابل دادگاه پایین‌تر (ماده ۶۵ لبنان) و همچنین دلیل آوردن به دفاع قبول نمی‌شود مقابل دادگاه درجه اول و هنگام وجود سابقه پیگیری قانونی یا همراهی بین دو دعوی ارائه شده مقابل یک قاضی و دیگری در اتاق دیگر ارائه شده پس واجب است دلیل آوردن به دفاع مقابل قاضی‌ای که بر او واجب است به دادگاه دیگر منتقل شود.

۵-۲-۲. دفاع با امر مطروحه قانونی مقابل دادگاه خارجی

اگر دفاع خواننده مسبوق به پیگیری قانونی نزد دادگاه بیگانه باشد آیا این دفاع قبول می‌شود. اینجا دو گرایش در قوانین بیگانه است اول معتبر می‌داند که دفاع مسبوق به پیگیری قبول می‌شود ولی اگر دعوا سابقاً مقابل دادگاه بیگانه مطرح شود و با این روش هر یک از قوانین آلمان و سوئیس شامل می‌شود و معتبر می‌باشد و دوم معتبر است که پیگیری قانونی در دادگاه بیگانه مانع نیست که دوباره دعوا در محاکم وطنی مطرح شود و این شیوه را قانون ایتالیا قبول دارد و در لبنان سهم بزرگی از قانونشان شیوه دوم را می‌پسندد و برخی از قوانین لبنان جدید شیوه اول را می‌پسندد اما در لبنان عده‌ای روش دوم را در نظر گرفته‌اند ولی قوانینی که شیوه اول را در پیش گرفته‌اند شرط کرده‌اند که حکم دادگاه بیگانه مقابل دعوا سابقه دار باشد و قابل اجرا مقابل دادگاه وطنی باشد اما اگر غیر قابل اجرا بود بایستی معاهده بین‌المللی به محاکم وطنی صلاحیت دار به شکل حصری رای دادن مراجع نزاع را بگنجانند و گرنه رای محاکمه اجنبی نزدشان قابل اعتنا نیست. (ابن فرحون، ۲۰۰۱: ۶۲۲)

نتیجه‌گیری

با توجه به پژوهش‌های به عمل آمده مشخص شد که قانونگذار با دقت در خصوص برخی احکام دادرسی در موضوع امر مطروحه مرتبط آن هم درباره دادگاه‌های یکسان که دعوی با یک موضوع در دادگاه‌های مختلفی مطرح گشته‌اند از جمله اصحاب دعوی، زمان و مکان آن تعیین تکلیف نکرده است که از نواقص قانونگذاری ایران در ماده ۸۴ می‌باشد. نتیجه پذیرش ایراد امر مطروحه در خصوص دادگاه‌ها در ماده ۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی ایران تعیین شده است اما قانونگذار قراری را که در ادامه پذیرش از جانب دادگاه صادر خواهد شد تعیین نکرده است. همچنین درباره فرضی که دو دعوا یکی در دادگاه نخستین و دیگری در دادگاه تجدیدنظر اقامه شده است قانون ایران حکمی ندارد. در مقابل قانونگذار لبنان اگرچه در مورد نوع و محتوای

تصمیم ارسال شده از جانب دادگاه حکمی تعیین نکرده است، اما در فرضی که دو دعوا دارای ارتباط با یکدیگر در دادگاه‌های مختلف مطرح شده باشد در ماده ۱۰۲ اجازه طرح ایراد در مرجع پایین تر را داده است و حکمی که از دادگاه پایین تر صادر می‌گردد در رویه قضایی این کشور کاملاً دارای اعتبار و ارزش می‌باشد. در خصوص این موضوع پیشنهاد می‌گردد که قانونگذار ایران در تبصره‌ای جدید در ذیل بند ماده ۸۴ به تعیین تکلیف دادگاه‌های مورد نظر، مکان و زمان طرح دعوی و اصحاب دعوا تعیین شده باشد. پیشنهادی دیگر که به ذهن متبادر می‌گردد این است که در خصوص دو دعوا یکسان در دو شعبه هم عرض مطرح گردد در خصوص اینکه دادگاه اول در خصوص پرونده چه وظیفه‌ای دارد اشاره‌ای نکرده که با روشن کردن تکلیف این امر با مواد قانونی مخصوص به این ابهام پایان دهد.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع

کتاب فارسی

- حیاتی، علی عباس، (۱۳۹۵). **آیین دادرسی مدنی ۳**، چاپ نهم، تهران، انتشارات میزان.
- شمس، عبدالله، (۱۳۹۶). **آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته**، چاپ سی و دوم، تهران، انتشارات دراک، جلد نخست.
- شمس، عبدالله، (۱۳۸۱). **آیین دادرسی مدنی**، دوره پیشرفته، تهران، انتشارات دراک، جلد سوم.
- غمامی، مجید، محسنی، حسن، (۱۳۹۲). **آیین دادرسی مدنی فراملی**، چاپ سوم، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- کریمی، عباس، (۱۳۹۱). **آیین دادرسی مدنی**، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجد.
- مدنی، جلال الدین، (۱۳۹۵). **آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب**، چاپ هشتم، تهران، انتشارات پایدار، جلد دوم.
- مهاجری، علی، (۱۳۹۲). **آیین قضاوت مدنی در محاکم ایران**، چاپ هفتم، تهران، انتشارات فکرسازان.
- مهاجری، علی، (۱۳۸۹). **مبسوط در آیین دادرسی مدنی**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فکرسازان، جلد اول.

کتاب عربی

- ابن فرحون، برهان الدین ابوالوفاء ابراهیم بن شمس الدین ابو عبدالله محمد؛ (۲۰۰۱). **تبصره الاحکام فی اصول الاقضیه و مناهج الاحکام**، تحقیق جمال مرعشی، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان.
- اسماعیل عمر، نبیل، (۲۰۰۹). **قانون اصول المحاکمات المدنیة**، منشورات الحلبي الحقوقية، بیروت، لبنان.
- الحجار، حلمی محمد؛ الحجار، هانی حلمی، (۲۰۰۱). **الوسیط فی اصول المحاکمات المدنیة**، منشورات الحلبي الحقوقية، بیروت، لبنان.
- عوض حسن، علی، (۱۹۹۶). **الدفع بعدم جواز نظر الدعوى لسبق الفصل فيها**، دار المطبوعات الجامعة، الاسكندرية، مصر.
- فوده، عبدالحکم، (۲۰۰۷). **قانون المرافعات (المدنیة التجاریة)**، الجزء الثاني، المكتب الدولي للاصدارات القانونیه، الاسكندرية، مصر.

مقالات

- ابهری، حمید، (۱۳۸۶). «**حقوق و تکالیف خواننده در اولین جلسه دادرسی**»، پژوهشنامه‌ی حقوق و علوم سیاسی، (۵).

- جلیلود، یحیی، (۱۳۷۳). **ایرادات و اهمیت آن در حرفه وکالت**، نشریه داخلی کانون، (۱۱).
- حسینی، سید محمد رضا، (۱۳۸۲). «**اعتبار امر مختوم در امور مدنی**»، مجله حقوقی دادگستری، (۳).
- حسن زاده، مهدی، افشار قوچانی، زهره، (۱۳۹۲). «**ایراد امر مرتبط در نظام دادرسی مدنی**» پژوهش‌های حقوق تطبیقی، (۲)۱۷.
- رخشان نیا، حمید، (۱۳۹۱). **مطالعه تطبیقی ایرادات و موانع رسیدگی در آئین دادرسی مدنی**، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، (۲)۱۶.
- کریمی، قوام، (۱۳۸۵). **ایرادات اصحاب دعوا در جریان دادرسی و نحوه تصمیم‌گیری قضایی**، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
- کریمی، علی اصغر، (۱۳۷۷). **تجمیع دعاوی مرتبط و لزوم رسیدگی به آن‌ها در دادگاه واحد**، دیدگاه‌های حقوقی، (۱۰ و ۱۱).
- محسنی، حسن، (۱۳۹۱). **دعاوی مرتبط و ناکارآمدی مقررات مرتبط**، مجله حقوقی دادگستری، (۷۷).
- مولودی، محمد، (۱۳۸۱). **دعوی اضافی**، فصلنامه حقوق دانشکده علوم سیاسی، (۸۵).